



گزارش

سیاست نابخردانه ترامپ

در مورد بیت المقدس

سراشیمی سقوط و انزوای آمریکا

شماره: ۱۳۶

اسفند ماه ۹۶

رصدخانه روابط بین الملل

سخنی با خوانندگان:

رصد مداوم و تجزیه و تحلیل آخرین رویدادها در عرصه بین الملل برای ایجاد شناخت، روند شناسی و برنامه ریزی صحیح از جمله نیازهای ضروری است.

بدین منظور گروه رصدخانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی این مهم را در دستور کار خود قرار داده و بخشی از آن را به صورت موردی با عنوان ترجمان روز منتشر می نماید.

هر گونه مساعدت و همفکری در جهت افزایش غنای این گزارش های خبری و تحلیلی مزید امتنان است.

بدیهی است طرح گزارش ها و تحلیل ها گرایشی نبوده و به عنوان نظر رسمی این مجمع نیز تلقی نمی گردد.

از آنجا که این گزارش صرفاً برای تعدادی از مسئولان و مدیران انتشار می یابد، بهره برداری، انتشار و کپی برداری از مطالب با هماهنگی این

مجمع مجاز خواهد بود. تلفن: ۸۸۵۳۸۲۴۸ ایمیل: iwpcf2008@gmail.com — آدرس تلگرامی: @iw_peace

بسمه تعالی

سیاست نابخردانه ترامپ در مورد بیت المقدس

سراشیمی سقوط و انزوای آمریکا



مقدمه

در ابتدا باید بر این بحث تاکید داشت که نشانه های زوال آمریکا حتی پیش از ترامپ آشکار شده بود، با این حال ترامپ را می توان نقطه عطفی در زمینه افول و انزوای آمریکا در عرصه جهانی ارزیابی کرد. به واقع درست در زمانی که بیشتر کارشناسان بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، شعار پیروزی لیبرال دموکراسی و قرن آمریکایی را می دانند، برای کارشناسان آگاه، نشانه های انزوای آمریکا و افول این کشور آشکار شده بود. بر این اساس برخلاف آنچه آمریکایی ها در فردای فروپاشی شوروی به دنبال القای آن بودند، حمله این کشور به عراق و افغانستان نشانه نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا یا آغاز قرن آمریکایی نبود، بلکه تلاش ابر قدرتی رو به زوال برای حفظ جایگاهش بود که البته این سیاست و اشغال گری نتیجه معکوس داشت و به بحران های عمیق تر از جمله بحران اقتصاد آمریکا طی سال های ۲۰۰۸ به بعد انجامید. در زمان اوباما نیز روند افول آمریکا با سیاست چند جانبه گرایی بیش از گذشته آشکار گشت و دولت اوباما آشکارا پذیرفت که آمریکا دیگر تنها ابر قدرت جهان نیست بلکه قدرتی رو به زوال در کنار قدرت های نوظهوری مانند چین است.

با این حال به قدرت رسیدن ترامپ را باید نقطه اوج زوال آمریکا و به خصوص تسریع در فرایند انزوای این کشور ارزیابی کرد. به واقع ترامپ با آشکار کردن ماهیت واقعی آمریکا تقریباً جهانیان و حتی متحدان نزدیک را از خود راند. ترامپ با اعلان خروج از معاهده اقلیمی پاریس در مورد وضعیت آب و هوا، عملاً کل کشورهای دنیا را مقابل آمریکا قرار داد و به کشوری منفورتر از گذشته

تبدیل شد. این امر آن قدر در نزد جهانیان عجیب و بدخواهانه بود که حتی برخی از دولتمردان و نمایندگان سنا و مجلس آمریکا از آن اعلان انزجار کردند. به همین شکل سیاست ترامپ در مقابل ایران روند افول و انزوای آمریکا را تسریع کرد. ترامپ در حالی ایران را به نقض تعهد متهم می کند که آژانس بین المللی انرژی اتمی و اتحادیه اروپا تاکنون ده ها بار بر پابندی کامل ایران بر برجام صحه گذاشته اند؛ اما دولت ترامپ تاکید دارد که قصد دارد برجام را کنار بگذارد. سیاست ترامپ در برابر ایران حتی همراهی برخی از هم حزبی های خود و بخش مهمی از دموکرات ها را ندارد و بر شکاف سیاسی درونی آمریکا افزوده است. همین امر بر انزوا و بی اعتباری آمریکا نزد جهانیان افزوده و آمریکا را تبدیل به بدعهدترین کشور دنیا نموده است.

اما نقطه اوج این بی اعتباری، انزوا و افول را باید در سیاست ترامپ در مورد **انتقال سفارت به بیت المقدس** ارزیابی کرد که عملاً خلاف تمامی مفاد و اصول معاهدات بین المللی، قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل و بر خلاف سیاست تمامی کشورهای جهان است. به واقع سیاست ترامپ به حدی نقض بنیادین اصول حقوقی بین المللی است که به غیر چند جزیره کوچک وابسته به آمریکا، هیچ کشور در عرصه جهانی علی رغم فشار دولت آمریکا از آن حمایت نکرد. در این زمینه سیاست ترامپ حتی خلاف سیاست دولت های پیشین آمریکا است. به همین شکل حتی متحدان سنتی آمریکا نیز از این سیاست اعلان انزجار کرده اند. در این زمینه می توان به اقدام سازمان ملل و به خصوص مجمع عمومی اشاره کرد که علی رغم تهدید چند باره شخص ترامپ با رای قاطع این سیاست را محکوم و آمریکا را منزوی ترین کشور دنیا کرد. با عنایت به این شرایط به نظر می رسد که اقدامات و سیاست های ترامپ در انزوا و بی اعتبار کردن آمریکایی که از قبل در حال افول بود به شدت موثر باشد و آخرین ضربات را بر آمریکای لرزان و رو به افول وارد سازد، امری که حتی مورد تایید کارشناسان و بزرگان این کشور نیز هست. بر این اساس در ادامه با تمرکز بر سیاست ترامپ به خصوص در مورد **بیت المقدس** فرایند انزوا و افول آمریکا مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

پذیرش افول آمریکا در ادبیات اندیشمندان و اندیشکده های غربی پیش از ترامپ

بسیاری از کارشناسان و نظریه پردازان در مورد نشانه های افول آمریکا قبل از اقدام ترامپ به انتقال سفارت به بیت المقدس را مطرح نموده اند که در ذیل به آن می پردازیم.

جان ایکنبری، خیزش چین و آینده نظم جهانی لیبرال

«جان ایکنبری»، نظریه پرداز روابط بین الملل و سیاست خارجی آمریکا و استاد علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه پرینستون آمریکا در سال ۲۰۱۴ در مقاله ای با عنوان «آینده نظم جهانی لیبرال» که توسط مجله «فارین افرز» منتشر شده، به تغییر قدرت جهانی اشاره می کند. وی معتقد است تغییر قدرت جهانی و افول قدرت آمریکا و تغییر نظام تک قطبی در جریان است. عصر آمریکا در حال پایان است و نظم جهانی شرقی جایگزین نظم جهانی غربی شده است. ما شاهد پیدایش قدرت های نوظهور هستیم؛ در حالی که قدرت آمریکا در حال فرسایش است. تغییر قدرت جهانی، به این دلیل در جریان است که قدرت در حال انتقال از غرب به شرق است. کشور چین در کانون این تغییر قرار دارد و رسانه های آمریکا تصدیق می کنند که چین بزودی بزرگترین اقتصاد دنیا یعنی آمریکا را پشت سر خواهد گذاشت. بنابراین جهان به نوعی در وضعیت تحول قدرت جهانی از قدرت متمرکز به نظام چند قطبی است که می توان از آن به عنوان «سیستم انتشار قدرت» یاد کرد. کشور چین شاید بیشترین بهره را از این انتقال قدرت داشته باشد.

گیدون راشمن، سقوط آمریکا

«گیدون راشمن» (Gideon Rachman) تحلیل گر سیاسی مجلات آمریکا، بر این نظر است که آمریکا باید به فکر سقوط خود باشد. ایالات متحده آمریکا دیگر هرگز موقعیت تسلط جهانی بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی را تجربه نخواهد کرد. آمریکا از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۸ که دچار بحران اقتصادی شد، ۱۷ سال از موقعیت هژمونی جهانی برخوردار بود. اما با معضلات اجتماعی و

اقتصادی ناشی از بحران سال ۲۰۰۸، این موقعیت خود را از دست داده و دیگر هم این موقعیت را تجربه نخواهد کرد. آن روزها دیگر تمام شد. رشد اقتصادی و نظامی چین، تهدیدی بلند مدت برای هژمونی جهانی آمریکا است. در واقع، امروزه رقابت بین چین نوظهور و آمریکای ضعیف، حول ابعاد گوناگون است. در مقابل ضعف آمریکا، قدرت‌های نوظهور از جمله چین، برزیل، ترکیه، هند و ایران هستند. هر کدام از این کشورها، اولویت‌های سیاست خارجی خود را دارند که توانایی آمریکا برای شکل دهی نظام جهانی را محدود می‌کنند.

میشل کاکس، تغییر قدرت و سقوط غرب

«میشل کاکس» (Michael Cox)، استاد روابط بین‌الملل به این موضوع می‌پردازد که در اوایل قرن ۲۱، ما شاهد حقیقتی جدید به نام «تغییر قدرت» هستیم. در این فرایند، آمریکا و غرب در حال سقوط بوده و نظم جدید بین‌المللی به اصطلاح بریکس (BRICs)، شامل کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین، در حال شکل‌گیری است.

نوام چامسکی، آمریکا امپراطور در حال سقوط

«نوام چامسکی»، اندیشمند آمریکایی، آمریکا را امپراطور در حال سقوط می‌داند. از نگاه وی، اگرچه اصول تسلط امپریالیستی آمریکا تغییر کرده اما ظرفیت پیاده‌سازی آن، به شکل قابل ملاحظه‌ای، کاهش یافته است. آمریکا هم در داخل و هم در خارج در حال سقوط است.

فرید زکریا و جهان پسا آمریکا

«فرید زکریا»، نظریه‌پرداز نئورئالیست معتقد است جهان در حال انتقال از عصر آمریکایی به عصر پسا آمریکایی است. جهانی که در پیش داریم جهانی است که در آن ایالات متحده آمریکا نه رهبری اقتصادی و ژئوپلیتیک آن را بر عهده خواهد داشت و نه بر فرهنگ آن چیره خواهد بود؛ بلکه قدرت آن سقوط خواهد کرد. به اعتقاد فرید زکریا، ما در حال «خیزش دیگران» هستیم که چشم انداز جدید جهانی را به وجود می‌آورد و در آن چشم انداز قدرت و ثروت در حال جابجایی است. قدرت در حال جابجایی و فاصله گرفتن از سلطه آمریکایی است. ما در حال گام نهادن به جهان پسا آمریکایی هستیم که مردمان بسیار در نقاط بسیار، جهت و ماهیت آن را تعیین می‌کنند.

موسسه بروکینگز و عصر پسا آمریکا

«مؤسسه بروکینگز» در زمینه افول قدرت آمریکا معتقد است؛ بسیاری از ناظران سیاسی و اقتصادی اظهار می‌دارند که آمریکا در حال سقوط است. از زمان وقوع بحران اقتصادی بین‌المللی در سال ۲۰۰۸، مسئله سقوط آمریکا در چین و سایر کشورها مطرح شد. برخی از افراد از جمله خود آمریکایی‌ها بر این باورند که «سقوط برگشت‌ناپذیر» در ایالات متحده آمریکا شروع شده و جهان در حال ورود به عصر پسا آمریکا است.

دانشکده تجارت هاروارد و شکست نظام سیاسی آمریکا

بر اساس یافته‌های «دانشکده تجارت هاروارد»، نظام سیاسی آمریکا شکست خورده و اقتصاد آن هم در حال سقوط بوده و دست و پا می‌زند. رشد و رفاه اقتصادی آمریکا ۲۰ سال پیش به پایان رسید. رویای آمریکایی در معرض خطر است. آمریکایی‌ها به رهبران سیاسی اعتماد ندارند و قطب‌بندی سیاسی به طرز چشم‌گیری افزایش یافته است. امریکایی‌ها از نظام سیاسی خود ناامید هستند و اعتماد کمتری به دو حزب بزرگ دارند. این شرایط اقتصادی و سیاسی، بیانگر آن است که رویای آمریکایی در خطر است.

جوزف نای و چشم انداز سقوط قدرت آمریکا

از نگاه «جوزف نای»، تئوریسین جنگ نرم و دیپلماسی عمومی، آینده قدرت آمریکا به شدت مورد چالش است. بحران اقتصادی جهانی سال ۲۰۰۸ را می‌توان شروع سقوط آمریکا تفسیر کرد. «شورای اطلاعات ملی» پیش‌بینی کرده که در سال ۲۰۲۵، ایالات متحده به عنوان یک قدرت باقی می‌ماند اما سلطه آمریکا از بین خواهد رفت. در قرن حاضر، قدرت آمریکا را می‌توان با قدرت انگلستان در قرن گذشته مقایسه کرد و سقوط هژمونی آمریکا را پیش‌بینی کرد. اما آمریکا به طور مطلق سقوط نمی‌کند و سقوط آن نسبی خواهد بود.

آلفرد مک کوی (Alfred McCoy)

«آلفرد مک کوی» استاد و مورخ آمریکایی معتقد است مرگ ایالات متحده آمریکا به عنوان ابر قدرت جهانی می‌تواند به مراتب سریع‌تر از آن باشد که هر کس تصور می‌کند. این مرگ، تا سال ۲۰۲۵ کامل خواهد شد. انتقال ثروت و قدرت اقتصادی جهانی از غرب به شرق در حال جریان است. در سال ۲۰۱۲، ۶۵ درصد مردم آمریکا معتقد بودند که کشور در شرایط سقوط قرار دارد. مک کوی، استدلال می‌کند که بزرگترین عامل سقوط آمریکا، نظامی‌گری است.

ویلیام نورمن گریج و مهندسی سقوط آمریکا

سقوط آمریکا اتفاق افتاده و دلیل آن هم این است که آمریکا ویژگی‌هایی مانند فقر، جرم، بیسوادی و بیماری‌های موجود در جهان سوم را از خود به نمایش گذاشته است. نورمن گریج، استاد آمریکایی ریشه سقوط آمریکا و تشدید اختلاف و خشونت در آن را در «ثروت بدون کار، لذت بدون وجدان، دانش بدون شخصیت، تجارت بدون اخلاق، علم بدون انسانیت، عبادت بدون ایثار و سیاست بدون اصول» می‌داند.

استفان کوهن، پایان نفوذ آمریکا

ایالات متحده آمریکا، قدرت و نفوذ خود را از دست خواهد داد. نفوذ آمریکا در جهان در حال اتمام است و بازگشت آن غیرقابل پیش‌بینی است. استانداردهای زندگی آمریکا در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، کاهش یافته است. ایالات متحده آمریکا، کشوری با ثروت، قدرت و نفوذ بود. اما همه این‌ها در حال تغییر است و رویای لیبرالیسم رو به پایان است.

تشدید فرایند افول آمریکا به رهبری ترامپ

با پیروزی دونالد ترامپ، رهبر پوپولیستی که آمدنش نشان از ضعف آمریکا دارد، هژمونی و صلح آمریکایی در معرض قرار گرفته است چرا که پایه‌هایی که قدرت آمریکا بر آنها استوار است در حال ضعیف شدن هستند. بر اساس رفتار و گفتارهای ترامپ در دوره انتخابات، او با بسیاری از ارزش‌هایی که آمریکا بر پایه آنها استوار است و این کشور را به قدرتی بزرگ تبدیل کرده اند مخالف است. بر اساس گفته‌های رسانه‌های اصلی و مهم این کشور، ترامپ فردی نژاد پرست و متعصب است. او دارای ترسی نسبت به مهاجران، زنان و اقلیت‌ها است. این رفتارها و شیوه تفکر کاملاً با ارزش‌های اصلی آمریکا یعنی آزادی و برابری مخالف دارد. اینکه ترامپ پیش از انتخابات اعلام کرد سیستم انتخاباتی آمریکا ناسالم است و ادعاهایی مانند «اگر پیروز انتخابات نشوم نتیجه را نخواهم پذیرفت.» و «فقط من می‌توانم این سیستم را درست کنم.» گواهی احترامی او به دموکراسی و روحیه مستبدانه اوست. با انتخاب ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا رهبران رژیم‌های اتوکراتیک و استبدادی دنیا بر خلاف حکومت‌های دموکراتیک بسیار خوشحال شدند چرا که بعد از این دیگر آمریکا مدافع ارزش‌هایی مانند لیبرالیسم و دموکراسی نخواهد بود. سیاست‌های اقتصادی ترامپ و ایده‌های او برای جنگ تجاری به نقش جهانی اقتصاد این کشور در جهان



صدمه می زند. برخی از اقتصاد دانان پیش بینی کرده اند که سیاست های اقتصادی ترامپ مبنی بر حمایت از صنایع داخلی باعث کاهش سرعت رشد آمریکا می شود. آنها به طعنه گفته اند اگر چنین اتفاقی رخ دهد و رکود بر اقتصاد آمریکا حاکم شود اول از همه دودش به چشم کارگرانی می رود که از او حمایت کردند و او وعده داد تا از آنها پشتیبانی کند.

مسئله بعدی خروج از پیمان ترنس پاسیفیک است. **پیمان ترنس پاسیفیک** به لحاظ ژئوپولیتیکی و اقتصادی برای آمریکا منافع بسیار زیادی دارد. این پیمان که در زمان اوباما به امضا رسید چند ماهی بود که به کما فرورفته بود. طرفداران این پیمان امید داشتند که با آمدن هیلاری کلinton این پیمان بار دیگر مورد بازنگری قرار گیرد و جان تازه بگیرد اما اینک با پیروزی ترامپ هیچ امیدی به تداوم این پیمان نیست. مرگ پیمان ترنس پاسیفیک این امکان را به چین می دهد تا در شکل دهی به قوانین تجاری منطقه نقش محوری را بازی کند. چین که عضو پیمان ترنس پاسیفیک نمی باشد سعی دارد تا پیوندهای اقتصادی خود در منطقه را افزایش و مستحکم تر کند. مرگ ترنس پاسیفیک باعث برخوردن معادلات قدرت آمریکا در آسیا می شود. عقب نشینی آمریکا از آسیا باعث افزایش قدرت چین و به ضرر آمریکا است. عدم حضور آمریکا در منطقه پاسیفیک موجب مدعی تر شدن چین در جنوب دریای چین می شود. ترامپ همچنین با وعده به خروج از پیمان ترنس پاسیفیک تعهدات نظامی کشورش به متحدان وفاداری چون کره جنوبی و ژاپن را زیر سوال برده است.

به همین شکل ترامپ با «ناکارآمد» خواندن ناتو در اروپا خیال پوتین که در پی تضعیف و حتی نابود کردن پیمان ناتو است را راحت کرده و این پیمان را در خطر نابودی قرار داده است. اگر این پیمان ۶۷ ساله در هم شکند صلح آمریکایی هم فرو خواهد ریخت. البته ترامپ بعد از رای آوردن در انتخابات بسیاری از حرفهای خود را تلطیف کرد اما اینکه او تا چه حد حرفها و برنامه های عجیب زمان تبلیغات خود را تغییر دهد معلوم نیست. اگر او بخواهد شعار خود مبنی بر «سیاست اولویت آمریکا» را که با ارزش های بنیادی آمریکا مخالفت دارد به مورد اجرا گذارد؛ هرگز نخواهد توانست شعار «بازگرداندن عظمت آمریکا» را عملی کند. یک کشور اگر نتواند زنجیره ای از متحدان و شرکایی را در اطراف خود جمع کند که به ارزش هایش احترام بگذارند و رهبری او را گزیرناپذیر بدانند، هر چقدر هم که قدرتمند باشد نمی تواند نقش رهبری را در جهان ایفا کند.

انزوای آمریکا در مورد انتقال سفارت به بیت المقدس



اوج انزوای آمریکا را باید در تصمیم ترامپ در مورد بیت المقدس ارزیابی کرد. لازم به اشاره است که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا روز ششم دسامبر طی سخنانی در کاخ سفید اورشلیم را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت و به وزارت امور خارجه آمریکا دستور داد که مقدمات انتقال سفارت این کشور از تل آویو به بیت المقدس را مهیا سازد. این اقدام برخلاف قطعنامه های سازمان ملل و نظر اکثر کشورهای دنیا از جمله متحدین آمریکا

در اروپا و کشورهای عرب و اسلامی است که معتقدند این اقدام آمریکا می تواند چشم انداز حل و فصل مسأله فلسطین و اسرائیل را تحت تاثیر قرار دهد. این تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا، موجی از واکنش های منفی را در دنیا به همراه داشته است. در واکنش به این تصمیم در مجمع سازمان ملل متحد از مجموع ۱۹۳ کشور عضو این سازمان، ۱۲۸ کشور تصمیم آمریکا مبنی بر به رسمیت شناختن اورشلیم (بیت المقدس) به عنوان پایتخت اسرائیل را محکوم کردند. در این نشست، حتی نزدیکترین متحدان آمریکا همانند انگلیس، فرانسه، ترکیه و عربستان سعودی نیز از این تصمیم ترامپ جانبداری نکردند و به جز آمریکا و اسرائیل تنها هفت کشور به تصمیم رئیس جمهور آمریکا رای مثبت دادند. واقعیت این است که هیچگاه آمریکا حتی در زمان آغاز جنگ در عراق در امنیت سازمان ملل متحد، به این اندازه منزوی نشده بود. حتی متحد وفادارش انگلیس، نیز در اجلاس اضطراری روز جمعه

هشتم دسامبر که به درخواست هشت کشور (فرانسه، انگلیس، سوئد، ایتالیا، بولیوی، اروگوئه، سنگال و مصر) برگزار شده بود، اقدام آمریکا را که «چشم انداز صلح در منطقه را از بین می برد»، محکوم کرد. چهار نماینده اروپا (فرانسه، انگلیس، سوئد و ایتالیا) و آلمان در برابر رسانه ها قرار گرفتند تا «مخالفت خود را با تصمیم آمریکا مبنی بر به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل» ابراز کنند. تصمیمی که به نظر آنها با قطعنامه های شورای امنیت مغایرت دارد. موقعیت بیت المقدس موضوع قطعنامه های ویژه شورای امنیت قرار گرفت از جمله قطعنامه اخیر آن که در بیست سوم دسامبر ۲۰۱۶ به کمک خودداری دولت اوباما در زمانی که آماده ترک کاخ سفید بود، تصویب شد، تأکید می کند: «هیچ تغییری را در مرزهای چهارم ژوئن ۱۹۶۷ از جمله در بیت المقدس به استثنای تغییرات به دست آمده توسط طرفین از طریق مذاکرات را به رسمیت نمی شناسد. پنج کشور اروپایی ضمن مخالفت با اقدام ترامپ تأکید کردند که «هیچ گونه حاکمیت را بر بیت المقدس» به رسمیت نمی شناسند و دولت آمریکا را به شدت ترغیب کردند تا «پیشنهادات دقیقی را برای حل و فصل مناقشه اسرائیل و فلسطین» ارائه دهد. آنها تأکید کردند که جز راه حل دیگری وجود ندارد. نیکلای ملادنوف، نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور خاورمیانه، که از مذاکرات مستقیم حمایت می کند، از این که موقعیت اماکن مقدس سه گانه این شهر از سوی سه دین توحیدی به عنوان «پیچیده ترین و عاطفی ترین مسئله» هدف تصمیم یک جانبه قرار گرفته است، ابراز تأسف کرد و گفت: «از خطر افزایش خشونت و افراط گرایی مذهبی نگران است.» به نظر نمی رسد این محکومیت ها، نیکی هیلی سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد را که معتقد است کشورش به عنوان میانجی گر صلح قابل اعتماد است، نگران کند. او با جسارت گفت: «زمانی که توافق صلح وجود داشته باشد، در کاخ سفید امضاء خواهد شد.» او بدون این که از اتهام به سازمان ملل متحد صرف نظر کند، چرا که به نظر وی «چشم اندازهای صلح در خاورمیانه را بیشتر از بین برده است تا تسهیل کند، تأکید کرد: «اکنون ما بیشتر متعهد شده ایم تا صلح را بین اسرائیلی ها و فلسطینی ها برقرار کنیم که پیش از این هیچگاه چنین نکرده بودیم.»

به هر حال نتیجه این سیاست غلط انزوای آمریکا است. در همین زمینه **چاس فریمن** دیپلمات معروف آمریکایی گفت: آمریکا در خاورمیانه منزوی شده و روند ناکام صلح دائمی نقش مهمی در این امر را ایفا کرده است. فریمن افزود، به رسمیت شناختن اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل تبدیل به نقطه اوجی در تاریخ طولانی سیاست های اسرائیل و آمریکا شد. وی با اشاره به رای گیری انجام شده در سازمان ملل متحد در مورد اورشلیم گفت: این نشان دهنده این است که جامعه بین المللی وجود دارد و آمریکا قوانین بین المللی را وضع و تنظیم نمی کند.

پروفسور **یوهان گالتونگ** جامعه شناس نروژی نیز که رخدادهای مهمی چون سقوط شوروی، حادثه میدان «تیان آن من» و حملات ۱۱ سپتامبر را پیش بینی کرده بود در اظهار نظری جدید گفت: قدرت جهانی آمریکا در دوران رئیس جمهوری جدید رو به زوال خواهد رفت. این دانشمند نروژی که در سال ۲۰۰۰ پیش بینی کرده بود قدرت جهانی آمریکا تا سال ۲۰۲۵ سقوط خواهد کرد، در دوران «جرج دبلیو بوش» ۵ سال از این تاریخ کم کرد و اعلام کرد میزان قدرت آمریکا تا سال ۲۰۲۰ شدیداً رو به کاهش خواهد رفت. وی در سال ۲۰۰۹ در کتاب «سقوط امپراطوری آمریکا و پس از آن چه؟» پیش بینی کرده بود آمریکا قبل از افول قدرت جهانی خود شاهد ظهور فاشیسم خواهد بود. وی اخیراً به نشریه «مادربورد» گفت: انتخاب دونالد ترامپ، روند کاهش قدرت آمریکا را تسریع خواهد کرد. دکتر گالتونگ افزود: دیدگاه انتقادی ترامپ به ناتو باعث می شود آمریکا از جایگاه ابرقدرتی خارج شود. سقوط دو وجه دارد؛ یکی اینکه کشورهای متحد آمریکا دیگر دوستان خوبی برای آمریکا نباشند، و دیگر اینکه آمریکا مجبور شود خودش به تنهایی جنگهایش را پیش ببرد و کشتارهایش را انجام دهد. در حال حاضر، هر ۲ اتفاق در حال وقوع است. اکنون فقط کشورهای اروپای شمالی از جنگهای آمریکا دفاع می کنند که این امر احتمالاً تا پس از سال ۲۰۲۰ منتفی می شود. در نهایت وی افزود ترامپ را باید فردی دانست که افول آمریکا را نهایی و تصمیم وی در مورد بیت المقدس از نشانه های این امر است.

واکنش‌های جهانی به طرح ترامپ در مورد بیت المقدس



رهبران سیاسی جهان و سازمان و گروه‌های مختلف نسبت به احتمال صدور این فرمان از سوی ترامپ و به خطر افتادن روند سازش، وقوع درگیری و متشنج شدن اوضاع هشدار داده‌اند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در خجسته میلاد نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و حضرت امام جعفر صادق (علیه‌السلام) در دیدار سران سه قوه، جمعی از مسئولان نظام، سفیران کشورهای اسلامی و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، فرمودند: اینکه آن‌ها (دشمنان) ادعا می‌کنند می‌خواهند قدس را پایتخت فلسطین اشغالی اعلام کنند، از عجز و ناتوانی آن‌هاست.

رهبر انقلاب در بخشی از بیانات‌شان، ادعای دشمنان اسلام درباره‌ی اعلام قدس به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی را ناشی از ناتوانی و عجز آن‌ها دانستند و افزودند: دنیای اسلام بلاشک در مقابل این توطئه می‌ایستد و صهیونیست‌ها با این کار ضربه‌ی بزرگ‌تری می‌خورند و فلسطین عزیز بدون تردید سرانجام آزاد خواهد شد.

سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان بیان داشت همه باید تصمیم اخیر ترامپ را محکوم و به آن اعتراض کنند، چرا که این اقدام تعرض آشکار آمریکا به مقدسات اسلامی است و مقابله با آن نیازمند همبستگی با فلسطین و بیت المقدس اشغالی است. باید دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی مخالفت و محکومیت این اقدام ترامپ علیه جهان اسلام و عرب را بشنوند.

محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در واکنش به اقدام رئیس جمهور آمریکا در تعیین قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی گفت که این اقدام به معنای خروج آمریکا از گفت‌وگوهای صلح است. رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین می‌افزاید: «انتخاب قدس به عنوان پایتخت اسرائیل به معنای عدم حمایت از روند صلح است، این موضوع مغایر با اجماع بین‌المللی است، ماهیت قدس هرگز تغییر نمی‌کند.»

لئونید اسلوتسکی رئیس کمیسیون امور بین‌المللی دوما‌ی روسیه: اقدام ترامپ در به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل ممکن است بار دیگر اوضاع در مناطق مناقشه فلسطین و اسرائیل را به شدت متشنج کند.

روزنامه روسی کامسامولسکایا پراودا در بخش اخبار آنلاین پایگاه اینترنتی خود به نقل از اسلوتسکی نوشت: اقدام ترامپ در به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل و انتقال سفارت آمریکا به این شهر ادامه زنجیره اقدامات تحریک آمیز در سیاست خارجی آمریکا است که هدفمندانه از جمله در قبال سوریه، ایران و کره شمالی صورت می‌گیرد.

میشل عون رئیس جمهور لبنان اقدام ترامپ را خطرناک دانست و گفت: ترامپ موقعیت تاریخی قدس را نادیده گرفته است. رئیس جمهوری لبنان ضمن محکوم کردن اقدام ترامپ خاطرنشان کرد، کشورهای عربی باید برای بازگرداندن هویت اصلی قدس و جلوگیری از تغییر آن متحد شوند. تصمیم ترامپ روند صلح، ثبات و امنیت در منطقه را تهدید می‌کند.

عربستان سعودی ضمن دادن چراغ سبز به آمریکایی ها، در اعلام نظر رسمی، تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا را در به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی غیر مسئولانه خواند و آن را محکوم کرد. منابع عربستانی گزارش کردند دولت عربستان سعودی بر اهمیت حل مساله فلسطین بر اساس طرح صلح عربی تاکید می کند.

صدها فلسطینی در اعتراض به تصمیم دونالد ترامپ رئیس آمریکا در به رسمیت شناختن شهر قدس به عنوان پایتخت فلسطین اشغالی چهارشنبه شب درغزه تظاهرات کردند. تظاهرات فلسطینی ها در مخالفت با تصمیم دونالد ترامپ درباره شهر قدس با فراخوان جنبش حماس و در اردوگاه آوارگان جباليا در شمال غزه برگزار شد و تظاهر کنندگان پرچم فلسطین و پارچه نوشته های در حمایت از شهر قدس در دست داشتند.

جنبش مقاومت اسلامی "حماس" تمامی احزاب و گروه های فلسطینی و جوانان انتفاضه را به شرکت در جمعه خشم علیه رژیم صهیونیستی و اعلام مخالفت با انتقال سفارت آمریکا به قدس و اعلام این شهر به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی فرا خواند. این جنبش طی بیانیه ای مطبوعاتی بر لزوم حرکت مردم به سمت تمامی مناطق ارتباط با رژیم صهیونیستی پس از اقامه نماز جمعه فرا خواند تا بدین ترتیب صدای ملت فلسطین به گوش این رژیم برسد که هرگونه تعرض به قدس باعث انفجار اوضاع و آغاز درگیری های همه جانبه با اشغالگران صهیونیست خواهد شد.

بکر بوزداغ معاون نخست وزیر ترکیه بیان داشت اگر آمریکا رسماً قدس را بعنوان پایتخت رژیم صهیونیستی به رسمیت بشناسد، فاجعه بار خواهد بود و به درگیری های جدیدی در خاورمیانه منتهی می شود.

سازمان عفو بین الملل به رسمیت شناختن اورشلیم (قدس اشغالی) به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی را اقدامی بی ملاحظه و در راستای تضعیف حقوق بشر فلسطینی ها خواند. رائد جرار (Raed Jarrar)، مدیر بخش خاورمیانه سازمان عفو بین الملل، در این باره گفت: این تصمیمی بی ملاحظه و تحریک برانگیز از سوی دولت ترامپ است که حقوق مردم فلسطین را تضعیف می کند و احتمال دارد تنش ها را در سراسر منطقه ملتهب کند.

امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه تصمیم دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی و انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس را تأسف بار خواند به عقیده وی وضعیت قدس را اسرائیلی ها و فلسطینی ها از طریق مذاکرات مشخص می کنند.

نخست وزیر انگلیس تزار می؛ کشورش با تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا برای به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی موافق نیست چون این تصمیم به روند صلح با فلسطینی ها هیچ کمکی نخواهد کرد. تزار می با صدور بیانیه ای اعلام کرد ما با تصمیم آمریکا برای انتقال سفارت آن کشور به قدس و به رسمیت شناختن آن به عنوان پایتخت اسرائیل قبل از توافق نهایی درباره وضع آن موافق نیستیم.

الجلینو الفانو وزیر خارجه ایتالیا از تصمیم یکجانبه دونالد ترامپ مبنی بر رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، ابراز نگرانی شدید کرد. به گزارش شبکه خبری دولتی "رای نیوز ۲۴"، در پی تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا مبنی بر به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، وزیر خارجه ایتالیا ضمن ابراز نگرانی اعلام کرد: نمی توان از راه حل دو دولت عقب نشینی کرد.

وی افزود: ما با نگرانی بسیار به تمامی رویدادها و تصمیماتی که به نظر در تضاد با دستور العمل هایی است که جامعه بی المللی از مدت ها پیش، بدون دیدن خط پایان اتخاذ کرده است، می نگریم.

وی تصریح کرد که در دیدار دوجانبه با همتای آمریکایی خود موضع ایتالیا را در این خصوص بیان کرده است.

دولت چین: به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت اسرائیل توسط دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، به تشدید تنش در منطقه منجر می شود. دولت چین از تصمیم رئیس جمهور آمریکا در خصوص قدس، ابراز نگرانی کرد.

فدریکا موگرینی، هماهنگ کننده سیاست خارجی اروپا به شدت به آمریکا درباره انتقال یک جانبه سفارت آمریکا به بیت المقدس و شناسایی این شهر به عنوان پایتخت اسرائیل هشدار داد. او که در بروکسل با رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا سخن می گفت، تصریح کرد که وضعیت حقوقی بیت المقدس باید در مذاکرات دو جانبه (اسرائیل - فلسطینی ها) روشن شود. موگرینی خواهان آن شد که از هر اقدامی که روند مذاکرات صلح میان اسرائیل و فلسطینی ها را دشوارتر کند مطلقاً باید امتناع شود. او بر این نکته تاکید کرد که بیت المقدس باید هم پایتخت اسرائیل و هم پایتخت کشور مستقل فلسطینی باشد.

در راستای انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس مخالفان استدلالاتی را مطرح کردند که به اختصار در ذیل به آن اشاره می شود.

- **شهر مورد مناقشه را نمی توان بخشید:** بیت المقدس برای فلسطینی ها و مسلمانان اهمیت نمادین فوق العاده زیادی دارد. فلسطینیان شرق بیت المقدس را به عنوان پایتخت کشور مستقل آینده خود در نظر دارند. تصمیم ترامپ، جانب گیری به نفع اسرائیل در یکی از مهمترین موارد مناقشه محسوب می شود و باعث می شود اسرائیل دست بالا را داشته باشد.
- **منظور کل بیت المقدس است:** هر چند ترامپ هم تاکید کرده که دخالتی در تعیین مرزهای بیت المقدس ندارد، اما او گفته که شهر بیت المقدس را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت می شناسد نه "بیت المقدس غربی" را. اگر رئیس جمهور آمریکا از واژه بیت المقدس غربی استفاده می کرد، شاید اسرائیل به این اندازه خشنود نمی شد.
- **موقعیت بیت المقدس باید در مذاکرات صلح مشخص شود:** براساس پیمان صلح ۱۹۹۳ میان دو طرف، موقعیت نهایی شهر باید در مراحل نهایی مذاکرات صلح تعیین شود. به رسمیت شناخته شدن بیت المقدس، حتی فقط غرب آن، به عنوان پایتخت اسرائیل، موضع این کشور را در مذاکرات صلح در مقابل فلسطینیان موضعی بالادست می کند.
- **باعث از سرگیری خشونت می شود:** این اقدام رییس جمهور آمریکا به گفته دبیر کل سازمان ملل متحد و سران بسیاری از کشورها بار دیگر به افزایش خشونت و کشتار در منطقه منجر خواهد شد و امکان به نتیجه رسیدن مذاکرات صلح را به صفر نزدیک خواهد کرد.
- **طبق مصوبه شورای امنیت اول باید شهرک ها خالی شود:** به رسمیت شناخته شدن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل، مذاکره درباره سرزمین های اشغالی و شهرک های غیرقانونی را به بن بست می رساند در حالی که طبق مصوبه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل، برای رسیدن به صلح قبل از هر چیز اسرائیل باید از اراضی اشغالی خارج شود.
- **در یک کلام، مخالف قوانین و مصوبه های بین المللی است:** اگر معاهدات و قطعنامه های بین المللی ملاک باشد، شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۰ در قطعنامه ۴۷۸ اشغال بیت المقدس شرقی و الحاق آن به اسرائیل و همچنین تعیین کل بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل را غیرقانونی دانسته است. از این رو از جنبه حقوق بین الملل هم بیت المقدس نمی تواند پایتخت اسرائیل باشد.

رهبری ترامپ آمریکا را در عرصه جهانی محدود و منزوی نموده است. در واقع می توان گفت آمریکا برخلاف گذشته دیگر رهبری هیچ کدام از روندهای جهانی را در دست ندارد و در حال از دست دادن حامیانش حتی در اروپاست. به عنوان نمونه زمانی آمریکا رهبری کمپین مبارزه با تغییرات آب و هوایی در جهان را به عهده داشت که اکنون به لطف ترامپ چین رهبری آن را به عهده گرفته است. از طرف دیگر روسیه و ایران نیز رهبری مذاکرات صلح سوری را که زمانی تمرکز اصلی دولت آمریکا بود، به عهده گرفته است. در عین حال مسکو تنها به دنبال آن بوده که از مقامهای دولت آمریکا به عنوان ناظر به این مذاکرات صلح دعوت کند. فرانسه و آلمان نیز اکنون بعد از آنکه دونالد ترامپ از تزلزل در حمایت دولتش از اعضای ائتلاف نظامی ناتو سخن گفت، به شدت از این امر نگران هستند و سیاست ترامپ را مورد انتقاد شدید قرار داده اند. از سوی دیگر و در مساله فلسطین آمریکا زمانی با فشار میانجی گر دو طرف تلقی می شد یا تلاش می کرد دیده شود، اما بعد از تصمیم ترامپ برای اعلام یک جانبه بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، آمریکا در سطح جهان منزوی شده است و اعلام انتقال سفارتخانه آمریکا به قدس جدیدترین مثال از تصمیمهای دولت ترامپ است که انزوای آمریکا را در پی داشته است که با وجود خوشحال کردن صهیونیست ها، موجب خشم فلسطینی ها و خنثی شدن چندین دهه اتفاق نظر بین المللی بر سر مساله فلسطین شد.

با توجه به مطالب یاد شده باید بر این نکته تاکید کرد که از سوی دیگر باید بر این نکته اذعان داشت که قدس، نزد مسلمانان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. بیت المقدس جایی است که فرهنگ و ادیان با هم تلاقی می کنند و مسلم است در این زمینه نیاز به تلاش همگانی است. جهان اسلام بعد از اقدام غیرقانونی و ضد قوانین بین المللی ترامپ در خصوص اعلام قدس شریف به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی و انتقال سفارت این کشور به بیت المقدس، به شکل یکپارچه و متحد با این سیاست امریکا مقابله کرده و با اجماع جهانی و متحد کردن مواضع و فعالیت های کشورهای اسلامی برای جلوگیری از اجرایی شدن این تصمیم تلاش مضاعفی می کند چرا که جهان اسلام بر این معتقد است که صلح فراگیر در منطقه، جز با بازگرداندن قدس اشغالی به فلسطینی ها به عنوان مرکز و پایتخت کشور فلسطین، محقق نخواهد شد. بعد از آغاز ریاست جمهوری ترامپ، بسیاری از رهبران بین المللی، دیپلمات ها و کارشناسان سیاست خارجی اتفاق نظر دارند که کارها و سیاست های او تنها باعث کاهش نفوذ آمریکا و یا غیرسازنده کردن این نفوذ شده است. ترامپ در زمینه برخی مسائل سیاسی موضعی اتخاذ کرد که صلاحیت آمریکا را زیر سوال برده یا آن را بی اعتبار کرد حتی در کشورهایی که دولت ترامپ را تأیید کردند، نگرانی از بابت پیش بینی ناپذیری او وجود دارد. آنها از خود می پرسند آیا ترامپ شریک قابل اعتمادی است یا خیر؟ مساله دیگر شکاف مشهود میان رئیس جمهوری آمریکا و بسیاری از مقامهای دولت او از جمله مشاوران ارشد امنیت ملی اش است. در نهایت آنچه آنچنان که آمریکا در سراسی افول قرار گرفته است، قدرت های دیگر مثل چین و روسیه مشتاقانه در حال پر کردن خل ناشی از نقش آن هستند.

منتظر ارایه نظرات و پیشنهادات تکمیلی شما نخبگان و کارشناسان گرامی خواهیم بود.

(صدفانه) روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی